فصلنامه علمی _ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره بیست و دوم، بهار ۱۳۹۷ - صفحات ۲۵-۷

مطالعه تطبیقی معرفت‌شناسی اقتصاد اسلامی و اقتصاد نهادگرای جدید

امیر خادم علیزاده[۱]
رامینه سلیمانزاده‌آیدیشه[۲]

تاریخ دریافت:۱۳۹۵/۰۵/۱۹ **تاریخ پذیرش:۱۳۹۶/۰۲/۰۲**

چکیده

مطالعه معرفت‌شناسی در مکتب‌های اقتصادی علاوه بر آشکار نمودن نقاط تفاوت و اشتراک آن‌ها، می‌تواند به شناخت اهداف، راهبردها و سیاست‌گذاری‌ها و نوع مواجهه با چالش‌های اقتصادی هر یک کمک نماید. پژوهش حاضر به مطالعه معرفت‌شناسی در اقتصاد اسلامی و اقتصاد نهادگرایی جدید با رویکردی تطبیقی پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عقل بعنوان یکی از ابزارهای حصول معرفت هم اقتصاد نهادگرا و هم اقتصاد اسلامی دارای محدودیت است. معارف و اطلاعات عقلانی ناقص و نامتقارن است. رجوع به حس و تجربه در کنار تاریخ بعنوان منابع معرفتی دیگر؛ در هر دو مکتب فوق مورد تایید است. اما وحی ابزار معرفتی است که مختص اقتصاد اسلامی است.پذیرش وحی بعنوان منبع معرفتی در اقتصاد اسلامی عناصری مثل خدا مالکی، رضای الهی، مطلوبیت اخروی را مطرح می‌کند و موجب ایجاد تفاوت‌های قابل توجه بین محتوای اقتصاد اسلام و سایر مکاتب اقتصادی می‌شود. معارف و حیانی ذیل مفهوم اسلامی قرار می‌گیرند خطاناپذیر و غیرقابل انتقاد هستند.

واژگان‌کلیدی: اقتصاد نهادگرایی جدید، اقتصاد اسلامی، مطالعه معرفت‌شناختی، رویکرد تطبیقی.
طبقه‌بندی JEL: P۴۰

۱. استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی aalizadeh@atu.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری فلسفه اقتصاد اسلامی دانشکده علامه طباطبائی r.soleymanzade@atu.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

مقدمه

با توجه به اهمیت بسیار بالای انجام مطالعات تطبیقی در گستره علوم انسانی به طور عام و در حوزه اقتصاد به طور خاص و نیز سهم مهم و بسزایی که روش‌شناسی(متدولوژی) در انجام مطالعات و تحقیقات دارد و با توجه به این نکته که تحلیل معرفت‌شناسانه گزاره‌های اقتصادی نقطه آغازینی است که به بررسی‌های روش‌شناسانه منتهی می‌شود.(توکلی، ۱۳۸۹، ۷۴) پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی ابزارهای معرفت‌شناسی در اقتصاد اسلامی و اقتصاد نهادگرایی جدید می‌پردازد.

اهمیت این پژوهش، روشن‌کردن شباهت‌ها و تفاوت‌ها بین این دو مکتب اقتصادی در بلوک اقتصاد هترودوکس می‌باشد و این‌که بررسی و تحلیل این شباهت‌ها و تفاوت‌ها می‌تواند تحولی در حوزه‌ی اقتصاد و تحلیل بهتر مسایل اقتصادی فراروی پژوهشگران ایجاد نماید. شایان ذکر است که هدف از این مطالعه بررسی معرفت‌شناسی در دو نظام اقتصاد اسلامی و نهادگرایی است. با انجام پژوهش تطبیقی و مقایسه‌ای و به روش کتابخانه‌ای حوزه‌های معرفت‌شناختی دو مکتب اقتصادی فوق بررسی می‌شود.

پرسش‌های اصلی پژوهش عبارتند از:

- ✓ عناصر و ابزار معرفت‌شناسی اقتصاد اسلامی و اقتصاد نهادگرای جدید چگونه تبیین می‌شوند؟
- ✓ تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو مکتب در این حوزه کدامند؟

در این راستا آزمون فرضیه‌های زیر انجام می‌شود:

اول: حس و تجربه، عقلانیت محدود و تاریخ مهم‌ترین مولفه‌های معرفت‌شناسی مکتب نهادگرایی جدید می‌باشند.

دوم: وحی، حس و تجربه، عقل و تاریخ مهم‌ترین مولفه‌های معرفت‌شناسی اقتصاد اسلامی به شمار می‌روند.

این مقاله در شش بخش ساماندهی شده است: پس از مقدمه، ادبیات پژوهش در زمینه اقتصاد اسلام و اقتصاد نهادگرایی جدید مطرح می‌شود. در بخش سوم اقتصاد نهادگرا معرفی می‌شود. در بخش چهارم به معرفی اقتصاد اسلامی پرداخته می‌شود. در بخش پنجم به بیان و تحلیل وجوه اشتراک و افتراق این دو مکتب در حوزه معرفت‌شناسی پرداخته می‌شود. خلاصه و نتیجه‌گیری در بخش ششم آمده است.

۱. ادبیات پژوهش

در این قسمت، ضمن تعریف مفاهیم اساسی مقاله، به پیشینه تاریخی و پیشینه علمی موضوع پژوهش در داخل و خارج پرداخته می‌شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۱.۱. مفاهیم اساسی

معرفت‌شناسی: نشان دادن کدها و ارزش‌های مشخص و اساسی و توجهاتی است که حاکی از رفتارهای شناختی دو مکتب اقتصادی نهادگرا و اسلامی می‌باشد؛ در واقع معرفت‌شناسی ابزارهای شناختی را که عاملان اجتماعی چهارچوب واقعیت‌ها و اعمالشان را برپایه‌ی آن می‌سازند؛ تعریف می‌کند. و از همین راستا بخش ضروری از فعالیت‌های اقتصادی را شکل می‌دهد. (کالینیکس[1]، ۱۹۹۴، ۲) به دیگر سخن معرفت‌شناسی به الگوهای شناختی و ادراکی اشاره دارد.

اقتصاد نهادگرا: نهادگرایی برنقش نهادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در تعیین حوادث اقتصادی تاکید دارد. نهادها قوانین بازی در جامعه‌اند؛ یا به عبارتی سنجیده‌تر قیودی هستند که از جانب نوع بشر وضع شده‌اند و روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر را شکل می‌دهند؛ در نتیجه نهادها سبب ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌شوند چه این مبادلات سیاسی باشند، چه اقتصادی و چه اجتماعی. تغییرات نهادی مسیر تحول جوامع بشری در طول تاریخ را مشخص می‌کنند و بنابراین کلید فهم تغییرات تاریخی محسوب می‌شوند.(نورث، ۱۳۸۵، ۱۹).

اقتصاد اسلامی: به گفته حسن‌زمان، اقتصاد اسلامی عبارتست از آگاهی از احکام و قوانین شریعت(اصول اسلامی) و کاربرد آن‌ها برای جلوگیری از بی‌عدالتی در استفاده و در اختیار گرفتن منابع مادی به منظور تامین رفاه انسان و قادر ساختن او در انجام تعهداتش در قبال خداوند و جامعه. (زمان، ۱۹۸۴، ۴۹).

۱.۲. پیشینه تاریخی موضوع

اقتصاد نهادگرا تا قبل از جنگ جهانی دوم یک جریان فکری آمریکایی تلقی می‌شد. وبلن (۱۸۶۲-۱۹۲۵)، کامونز(۱۸۶۲-۱۹۴۵) و میچل(۱۸۷۶-۱۹۴۸) از بنیانگذاران این مکتب هستند. تحولات اجتماعی و آشوب‌های اقتصادی و تلاش‌های سیاسی که ایالات متحده در ربع آخر قرن نوزدهم شاهد آن بود؛ موجب شد که متفکران اقتصادی آمریکایی توانایی آموزه‌های سنتی برای تحلیل اوضاع دائما در حال تغییر را زیر سوال ببرند. نهادگرایان معتقد بودند که نظریه اقتصاد نئوکلاسیک به علت الگوبرداری از مکانیک نیوتن فاقد اعتبار لازم برای تحلیل و تبیین نظام صنعتی است آن‌ها معتقد بودند که تحلیل اقتصادی باید با شرایط فرهنگی و اجتماعی هر جامعه متناسب باشد و اقتصاد نئوکلاسیک نسبت به این امر بی‌تفاوت بود. پس از پایان جنگ جهانی دوم نهادگرایی قدیم رو به افول گذاشت اما دوباره به دلیل ضعف نظریه متعارف اقتصادی در ارائه نظریه‌ای جهانشمول درباره همه جنبه‌های مختلف توسعه و توسعه نیافتگی؛ از دهه شصت میلادی در قالبی جدید مطرح شد. در این قالب جدید نهادگرایان بخشی از اصول نظریه نئوکلاسیک را

1. kallinikos

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

پذیرفتند و بخشی از آن را کنار گذاشتند؛ و بدین‌ترتیب فصلی جدید در حوزه تحلیل مسائل اجتماعی و اقتصادی گشودند.(معینی، ۱۳۷۷، ۱۲۱-۱۲۰) اصطلاح اقتصاد نهادگرای جدید برای اولین بار توسط الیور ویلیامسون در کتابی که در سال ۱۹۷۵ نوشت، ابداع شد. (دیکوییچ، ۲۰۱۵، ۱۹۰)

اما درباره پیشینه تاریخی اقتصاد اسلامی باید گفت که آغاز آن به زمانی بازمی‌گردد که جنبش‌های آزادی بخش در کشورهای در حال توسعه و بویژه در کشورهای اسلامی شکل گرفت. و اندیشمندان و متفکرین این کشورها بر آن شدند که با تکیه برتعالیم اسلامی در مقابل نفوذ فرهنگ‌ها، باورها و ارزش‌های مختلف مقاومت کنند. اینان معتقد بودند که همان‌طور که اسلام دارای نظام اجتماعی و فرهنگی است، نظام اقتصادی نیز دارد. بدین‌ترتیب تلاش برای اثبات وجود اقتصاد اسلامی شدت گرفت. بنابراین سابقه اقتصاد اسلامی به قدمت اسلام است. هر چند این عنوان، عنوان جدیدی است(مصباحی و دیگران، ۱۳۷۹، ۲۰۶). درباره ماهیت اقتصاد اسلامی سه رویکرد اصلی وجود دارد، رویکرد اول این است که ماهیت اقتصاد اسلامی شبیه فقه المعاملات است و اقتصاد اسلامی چیزی فراتر از نتیجه بکارگیری فقه اسلامی نیست؛ تئوری اقتصاد اسلامی بکارگیری اصول حقوقی و قواعد اخلاقی برای وضع احکام دینی در اقتصاد متعارف خواهد بود. رویکرد دوم کثرت‌گرایی متدولوژیکی اقتصاد اسلامی است و معتقد است که معرفت‌شناسی اسلامی منابع چندگانه‌ای از دانش را به رسمیت می‌شناسد، سنت اسلامی اقتصاد همواره عاری از فرمالیسم است و با استفاده از یک متدولوژی انعطاف‌پذیر برمعانی و اهداف متمرکز شده است و برای کمک به تحقق مصالح اقتصادی و چشم‌اندازهای اسلامی از یک زندگی خوب، باز(مناسب) است. رویکرد سوم، پروژه اسلامی سازی متدولوژی اقتصاد است و آن هنگامی است که دانشمندان تلاش می‌کنند تا بین جریان اصلی اقتصاد با اصول اسلامی در اقتصاد تعامل ایجاد کنند و آن‌ها را در هم ادغام کنند و برعکس. اقتصاد اسلامی می‌تواند از اقتصاد مدرن در فرایند توسعه پیکره‌دانش، فعل و انفعال و ادغام و یکپارچگی خودش استفاده کند، اما اقتصاد اسلامی باید خلاق و عینی باشد. در عین‌حال که نیاز است اقتصاد اسلامی با اقتصاد متعارف تعامل داشته باشد و این تعامل برای پیشرفت اقتصاد اسلامی ضروری است، باید روش این تعامل، معیارهای ارزیابی و توجیه و همچنین بنیاد و شالوده اسلامی به عنوان محک و نشان در این تعامل، به وضوح مشخص شود (برگرفته از: فرقانی و حنیف، بی تا، ۱۰-۱).

۱.۳. پیشینه علمی موضوع در مطالعه‌های خارجی:

نخست ذکر این نکته لازم است که هر چند در حوزه اقتصاد اسلامی و نهادگرایی به طور مجزا تالیفاتی صورت گرفته است اما هیچ پژوهشی که به مطالعه تطبیقی این دو مکتب اقتصادی بپردازد؛

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

انجام نپذیرفته است. مطالعات تطبیقی صورت گرفته به تطبیق اقتصاد اسلامی با اقتصاد متعارف پرداخته‌اند.

۱.موریس‌فیورینا[1](۱۹۹۵) در مقاله‌ی" انتخاب عقلانی و نهادگرایی" به علاقه‌ای در علوم اجتماعی به پدیده‌های تاریخی و نهادی وجود دارد اشاره می‌کند. و نام این تغییرات صورت گرفته را نهادگرایی جدید می‌نامد. در نهادگرایی جدید رویکرد انتخاب عقلانی به خوبی ارائه می‌شود.

۲.جین اینسمینگر[2](۱۹۹۸) در مقاله‌ای با عنوان" انسان‌شناسی و نهادگرایی جدید" مهم‌ترین تحقیقات انسان شناختی معاصر؛ که با نظریه انتخاب عقلانی، اقدام جمعی، فردگرایی روش شناختی و نهادگرایی جدید؛ مرتبط هستند را مورد باز بینی قرار می‌دهند. از یافته‌های این تحقیق این است که باستانشناسان و انسان‌شناسان زیستی، فرهنگی به این موضوعات کمک اساسی می‌کنند. در حالی‌که میزان کمک انسان‌شناسان اجتماعی، فرهنگی بسیار کم است.

۳.دیویددکوئیچ[3](۲۰۰۴) در مقاله‌ای با عنوان" اقتصاد نهادگرای جدید و نظریه رفتار در شرایط عدم قطعیت"؛ به بررسی نظریه رفتار اقتصادی در شرایط عدم قطعیت می‌پردازد و در این راستا به تحلیل مفهوم عدم قطعیت، تاثیر نهادها بر رفتار اقتصادی و مفهوم عقلانیت می‌پردازد. همچنین نظرات مختلفی را که در خصوص این موضوعات ارائه شده را دسته‌بندی کرده و سازماندهی می‌کند.

۴.اچ‌روبکن[4](۲۰۰۴)در مقاله‌ای با عنوان"سازمان‌ها و محیط‌های سازمانی: نهادگرایی جدید"؛ به چرایی نهادگرایی جدید، خاستگاه آن، وجوه مختلف رویکرد نهادگرایی جدید می‌پردازد و سرانجام به محدودیت‌های رویکرد نهادگرایی جدید اشاره کرده است.

۵.سیلون‌روسیود و کاترین‌لوکیتلی(۲۰۱۰) در پژوهشی با نام " اقتصاد نهادگرا" در پی‌گسترش دادن چارچوب استاندارد شده‌ی سطوح مختلف تحلیل نهادهایی هستند که نهادگرایی جدید برپایه آن‌ها ایجاد شده است. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که نهادگرایی جدید تقسیم رانت اقتصادی و کاهش قیمت‌ها را قابل درک می‌کند. به عبارت دیگر چارچوب نهادی، در شرکت‌ها انگیزه‌ی تغییر تدابیرشان در تولید و اکتشاف را ایجاد می‌کند.

۱.۴. پیشینه علمی موضوع در مطالعه‌های داخلی

برخی از پژوهش‌هایی که در زمینه اقتصاد نهادگرایی و اقتصاد اسلامی در ایران انجام گرفته در زیر می‌آید:

1. Morris Fiorina
2. Jean Ensminger
3. David Dequech
4. H. Robken

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۱."روش‌شناسی و معرفت‌شناسی اقتصاد اسلامی"عنوان مقاله‌ای است که به قلم یدالله دادگر (۱۳۷۹) نوشته شده است. نویسنده این مقاله ترسیم پایه‌های ابعادی اقتصاد اسلامی همچون معرفت‌شناسی و روش‌شناسی را باعث شفاف‌سازی مطالعات و افزایش کارایی آن می‌داند. وی در بخش اول این مقاله به ترسیم مباحث معرفت‌شناختی اقتصاد اسلامی پرداخته است و در بخش دوم آن به سوالات و سرفصل‌های اصلی روش‌شناسی اقتصاد اسلامی اشاره می‌کند.

۲.عیوضلو(۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان"مبانی روش‌شناسی و ساختار نظریه‌های علمی اقتصاد اسلامی"هر گونه اظهار نظر درباره روش‌شناسی اقتصاد اسلامی را منوط به موضع‌گیری درباره علت وجودی اقتصاد اسلامی می‌داند. وی به بررسی ابعاد تاثیر داوری‌های ارزشی در نظریات اقتصادی و همچنین ویژگی‌های فلسفه حاکم بر اقتصاد در دوره رنسانس می‌پردازد. و نیز مسئله و معضل اصلی علم اقتصاد اسلامی را مطرح کرده و برای آن راهکار ارائه می‌دهد.

۳.عزتی و دادگر(۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان"عقلانیت در اقتصاد اسلامی" با اشاره به تعاریف و شکل‌های مختلف عقلانیت درصدد ارائه مفهومی مناسب از عقلانیت هستند و برای این منظور به بررسی مفهوم عقلانیت در پارادایم نئوکلاسیک و دیدگاه‌های اقتصاددانان مسلمان پرداخته‌اند و در نهایت مفهوم مناسب و در خور عقلانیت را مطابق دیدگاه اسلام ارائه داده‌اند.

۴.ابوجعفری(۱۳۸۵)در پژوهشی با نام "برداشت اقتصاد نهادگرا و مطالعه اقتصاد اسلامی" که نزدیکترین پژوهش به عنوان این مقاله می‌باشد صرفا باتوجه به تجربیات اقتصاد نهادگرا به ارایه‌ی چهارچوب‌هایی برای تحلیل مسائل اقتصاد اسلامی می‌پردازد، و البته مطالعه تطبیقی این دو مکتب دغدغه وی نمی‌باشد.

باتوجه به این پیشینه علمی که در مطالعه‌های داخلی و خارجی صورت گرفته هیچ کار تطبیقی معرفت‌شناختی بین اقتصادنهادگرایی و اقتصاد اسلامی صورت نپذیرفته است. فقدان چنین مطالعه‌ای ما را بر آن داشت که به تدوین این مقاله اقدام کنیم. نوآوری این پژوهش تبیین نقاط افتراق و اشتراک این دو مکتب در حوزه معرفت‌شناسی است.

۲. نهادگرایی جدید

نهادها هم بر انتخاب افراد تاثیر می‌گذارند و هم برارتباط آن‌ها با یکدیگر موثر هستند. ورود نهادها به تحلیل‌های اقتصادی موجب می‌شود که مبنای معرفت اقتصادی بررابطه بشر با بشر تنظیم شود، نه رابطه انسان با کالا؛ چنان‌که در اقتصاد متعارف مرسوم است."نهادها از یک‌سو تلقی‌ها و انتظارات افراد را مورد پذیرش قرار می‌دهند و از سوی دیگر به وسیله همین تلقی‌ها و انتظارات مورد تایید قرار می‌گیرند؛ به عبارت دیگر نهادها از سویی مولد و از سوی دیگر مولود تلقی‌ها و انتظارات

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

هستند. وجود نهاد سبب می‌شود که رفاه یک عامل یا کنشگر[1] بدون لطمه بـه رفـاه دیگـران بهبـود یابد و به وی اجازه می‌دهد که به سطح بالاتری از اهداف خـود در محـدوده‌ی معینـی دسـت یابـد. (همان، ۳۴۰) نهادگرایی جدید با نام جیمزمارش[2](1928) و یوهـان‌اولسـن(1939)[3] شـناخته شـده است. آن‌ها برنقش فرد در انتخاب سیاسی تاکید می‌کردند و تمایل داشتند که بـه طـور گسـترده‌ای فرد را به عنوان یک بازیگر مستقل، عقلانی سازند. در این دیدگاه مساله سـاختار، کـارگزار و تفسـیر ارزش‌های نهادها حل شده است و اساس رفتار در نهادها به جای آن‌که سرکوب‌گرانه باشد، هنجاری است و به جای آن‌که نقش‌های معـین رسـمی اعضـای نهادهـا هـدایتش کنـد بیشـتر تحـت تـاثیر ارزش‌های موجود در سـازمان‌هـا قـرار مـی‌گیـرد. لانـدز شـش ویژگـی را بـرای نهـادگرایی جدیـد برمی‌شمارد که در آن:

۱.تمرکز برسازمان به تمرکز بر قواعد تبدیل می‌شود.
۲.مفهوم رسمی به مفهوم غیررسمی نهاد تغییر می‌یابد.
۳. مفهوم ایستا جای خود را به مفهوم پویای نهاد می‌دهد.
۴. ارزش‌های پنهان به موضع ارزشی، انتقادی بدل می‌گردد.
۵. مفهوم کل‌گرایانه با مفهوم ناپیوستگی نهاد جایگزین می‌شود.
۶. استقلال به ادغام تبدیل می‌شود.(حقیقت، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳-۱۴۲)

از سوی دیگر انواع مختلف نهادگرایی جدید در نحوه توضیح منشا نهادهـا، اسـتمرار و تغییـرات آن‌ها با هم اختلاف دارند اما نگرانی‌ها و اصول موضوعه مشترکی دارند که همگی برآن تمرکز دارنـد (جی. وایج[4]، ۲۰۱۳، ۱۵۶). البته درست است که نهادها مولود تلقی‌های انسان‌ها هسـتند امـا قابـل فروکاهش به تعداد خاصی از افراد نیستند. و بجای توجه به رفتار فـردی بایـد رفتـار گروهـی مـورد توجه قرار گیرد. اقتصاد نهادگرای جدید از اعمال فردی ناشی می‌شود اما نمـی‌توانـد بـه تعـدادی از افراد کاسته شود چرا که آن‌ها وجود مستقل دارند. تحلیل‌ها در اقتصاد نهادگرای جدید با روش‌هـای ریاضی آغاز نمی‌شود بلکه با حقایق سبک‌دار و ساخت و سازهای تئوریکی آغاز می‌شوند کـه شـامل مکانیسم‌های علمی می‌شود و روش‌های ریاضی و آماری صرفا به عنوان ابزار به کار گرفته می‌شوند و نه به عنوان ضرورت در تحلیل اقتصادی؛ همچنین اقتصـاد نهـادگرا از مـواد تجربـی و تـاریخی نیـز استفاده می‌کند که اشاره به نهادهای اجتماعی و اقتصادی دارد. در واقع اقتصاد نهادگرا با گزاره‌هـای عمـومی دربـاره رفتـار بشـر و نهادهـا و طبیعـت تکـاملی فرآینـدهای اقتصـادی شـروع مـی‌شـود.

1. agent
2. James March
3. Johan Olsen
4. Marjanneke J. Vijge

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

(پترویچ، استیفانویچ، ۲۰۰۹، ۱۱۱) دانشجویان اقتصاد نهادگرای جدید از ایده‌آل‌های فرضی اجتناب می‌ورزند، از دانش لایتناهی، خیرخواهی مطلق، هزینه‌های مبادله صفر، اعتبار کامل و مانند این‌ها دوری جسته و به‌جای آن با بدیل‌های سازمانی انجام‌شدنی که همه آن‌ها دارای نارسایی و نقص هستند کار می‌کنند.(ویلیامسون، ۱۳۸۱، ۱۶) لذا نهادگرایی جدید نسبت به نهادگرایی قدیم برنقش فرد و هنجاری بودن رفتار وی تاکید بیشتری دارد. در این مکتب افراد داده شده هستند و نهادها بطور عمدی محدودیت‌هایی را بر رفتار افراد اعمال نموده و انگیزه‌ها را هدایت می‌کنند. در اقتصاد نهادگرایی فرض بر این است که انسان‌ها اطلاعاتشان کامل نیست، ظرفیت ذهنی محدودی دارند و در مبادلاتشان با یکدیگر با مخاطره و عدم قطعیت مواجه‌اند؛ برای کاهش مخاطرات و هزینه‌ها، انسان‌ها قوانین، قراردادها و هنجارها را تعبیه می‌کنند تا مبادلاتشان را قابل پیش‌بینی‌تر کنند.(بیدالله‌خانی، ۱۳۹۱، ۱۱۲) توجه به این نکته لازم است که اعمال این محدودیت‌ها به معنای نفی کامل اختیار افراد نیست. ویژگی رویکرد نهادگرایی جدید آن است که ضمن در نظر گرفتن تأثیر نهادها به منزله عوامل محدودکننده رفتار انسان‌ها، منطقه معینی برای رفتار آزادانه انسان در نظرگرفته است که از آن به عنوان عقلانیت ناقص یاد می‌کند. (نایب،۱۳۹۰، ۱۴۵) اقتصاد نهادگرایی به جای تاکید بر هماهنگی منافع و دست نامرئی، برتضاد منافع و دست مرئی نهادها تاکید می‌کند. افراد براساس مدل‌های ذهنی تصمیم می‌گیرند این مدل‌ها از فردی به فرد دیگر فرق می‌کنند و اطلاعاتی که بازیگران دریافت می‌کنند آن قدر ناقص است که در بیشتر موارد هیچ نشانه‌ای از همگرایی یا میل این مدل‌های متباین به مدلی واحد به چشم نمی‌خورد. (نورث، ۱۳۸۵، ۴۲) همچنین اقتصاد نهادگرایی برپیوند گذشته و آینده توجه دارد. در واقع امور اقتصادی روند تکاملی دارند. نهادگرایی جدید روند آیندهٔ اقتصادی و توسعه جوامع را آینده‌ای با انتخاب‌های نامحدود نمی‌داند و با ارائه مفاهیمی همچون وابستگی به مسیر[1] و بازدهی فزایندهٔ ماتریس نهادی تلاش دارد نشان دهد که بدون شناخت گذشته اقتصادی(تاریخ) امکان بهبود عملکرد اقتصادی وجود ندارد.(نایب،۱۳۹۰، ۱۴۶) نهادگرایان معتقدند که نهادهایی چون حقوق مالکیت و قواعد اخلاقی در تحولات اقتصادی نقش اساسی دارند. این تعالیم نهادگرایی، آن را به عنوان مکتبی واقع‌نما معرفی می‌کند. سرانجام این‌که نهادگرایی جدید به منزله یکی از روش‌های تحلیل رفتار جوامع راه‌حلی قطعی نیست و نظر همه اندیشمندان اجتماعی و اقتصادی را جلب نمی‌کند.(همان، ص۱۵۲)

1. path dependence

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۳. اقتصاد اسلامی

تمامی آموزه‌های اسلام مبتنی بر وحی هستند لذا اقتصاد اسلامی برپایه‌ی فلسفه وحیانی زندگی است. در حقیقت فلسفه‌ی اقتصاد اسلام از فلسفه زندگی بدست آمده است. زیرا اقتصاد در فلسفه اسلامی وجهی از وجوه زندگی بشری است نه این‌که در مرکز توجهات تمامی فعالیت‌ها قرار داشته باشد. در نتیجه فلسفه اقتصاد اسلامی برپایه‌ی چند اصل بنا نهاده شده است:

۱. "توحید"مفهوم جامع که اطاعت محض یک انسان از آفریننده‌ی یکتایی را می‌رساند که خالق، رازق، مالک‌الملک، علیم، عالم، قادر از صفات او می‌باشد.

۲. "رسالت" یعنی آوردن راهنمایی‌ها در قالب سنت و انتقال آن به بشر.

۳. "آخرت"یعنی حسابرسی اعمال و کردار بشر و من‌جمله فعالیت‌های اقتصادی او و رسیدن به جزای اعمال در یک زندگی جاویدان.

۴. رفاه اقتصادی و غیراقتصادی در راستای نیل به زندگی مناسب و انجام وظایف اجتماعی اسلامی در دنیا و بدست آوردن منزل و منزلتی در آخرت.

در میان این شاخص‌ها آخرین شاخص چارچوبی برای دست‌آوردهای اقتصادی فراهم می‌سازد و اولین و سومین شاخص بیانگر این مطلبند که تمامی فعالیت‌های اقتصادی باید در مطابقت کامل با ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی باشند که از طریق رسالت وحی به ما رسیده است. هر تحقیقی در اقتصاد اسلامی باید برپایه‌ی این اصول بنا نهاده شود.(م. صادق و غزالی، ۱۳۸۵، ۲۹) اقتصاد اسلامی علاوه بر این‌که مبتنی بر حقیقت وحی الهی است از حقایق تاریخی زندگی بشری نیز بهره‌مند است. آموزه‌های اقتصادی اسلام باید از میان تعالیم اسلامی کشف و استنباط شوند. بدین منظور اقتصاددانان مسلمان باید تمام اجزای تشکیل‌دهنده نظام را در قالب کلّ منسجم و سازگارکشف کنند. روش کشف نیز شبیه روش کشف نظریه‌ها و قانون‌های کلّی در علم فقه است که برخی در قرآن و سنت به روشنی یافت می‌شود و برخی دیگر باید از مجموعه‌ای از آیات و روایات که در زمینه‌های گوناگون وارد شده، استنباط شود.(کهف، ۱۳۸۵، ۱۵۸)در این راستا باید فقها و فلاسفه مسلمان با هم تعامل داشته باشند. همچنین اقتصاد اسلامی دارای الگوی مستقل است و مجموعه عناصر معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی و روش‌شناختی آن در میان کل نظام اسلامی به طور انفکاک‌ناپذیری مرتبط هستند. توجه به این نکات لازم است که اولا اقتصاد اسلامی جهت‌گیری ارزشی و سیستمی دارد. ثانیا هم می‌تواند از اقتصاد سنتی بهره بگیرد و هم در تعمیق آن نقش داشته باشد. ثالثا می‌تواند با روش‌های مختلف ولی با اهداف، مبانی و اصول مشترک به استخراج نظریه اقتصادی اسلام مبادرت کند. رابعا می‌توان نشان داد که ارتباط عناصر الگوی اقتصاد اسلامی قانونمند و علی است. و سرانجام می‌توان گفت که در طبیعت نظریه اقتصادی اسلام از

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

یک‌سو زمینه نقد و بررسی وجود دارد و از سوی دیگر این الگو با توجه به عنصر اجتهاد از پویایی خاصی برخوردار است.(دادگر، ۱۳۷۸، ۱۶و۱۵) پس اقتصاد اسلامی یک مکتب و نظام مستقل است. منظور ما از نظام اقتصاد اسلام مجموعه ترتیبات، چارچوب‌ها و نهادهایی است که هدایت کلی امور اقتصادی و چگونگی هماهنگی‌های مورد نیاز را با توجه به اهداف و اصول مکتب اسلام معین می‌کند.(همان، ۵۰) در کنار برخی عناصر ثابت، اقتصاد اسلامی برخی عناصر متغیر نیز دارد که با توجه به شرایط زمانی و مکانی قابل تغییر می‌باشند. در اقتصاد اسلامی به پیوند انگیزه‌های افراد به ارزش‌های اقتصادی دینی اسلام تاکید می‌شود. ما در اقتصاد اسلامی با وجودی که نسبت به منافع و انگیزه‌های فردی توجه خاصی قائل هستیم در عین حال آن را با توجه به پیوندهای ارزشی و دینی مدنظر می‌گیریم. به عبارت دیگر حداقل"شکل مطلوب" افرادی را در جامعه تصور می‌کنیم که به ارزش‌های اقتصاد اسلام پایبند هستند به همین دلیل در اقتصاد اسلام فرد را در همه احوال قاضی خوبی برای تشخیص مصالح خود نمی‌دانیم زیرا وی را جایزالخطا می‌دانیم لذا مطلوبیت فردی را با توجه به ارزش‌های اسلامی و دینی تعریف می‌کنیم.(همان، ص۸۳) پس در اسلام، انسان منهای ارزش‌ها قاضی خوبی برای تشخیص مصالح خویش در اقتصاد و غیراقتصاد نیست. همچنین چون انسان جایزالخطا است و دارای عقل کلی پیشین نیست. لازم است که ارتباطش با وحی را قطع نکند و در کنار عقل از تعالیم وحی نیز بهره ببرد. اسلام هم به انسان توجه دارد هم به اجتماع؛ اما به لحاظ حقوقی تقدم را به اجتماع می‌دهد. پایبندی انسان به اصول و قوانین و ارزش‌های اسلام ضامن بقای آزادی معنی‌دار و بلندمدت او خواهد بود.

۴. تحلیل معرفت‌شناسی مکتب اقتصاد اسلامی و اقتصاد نهادگرایی جدید

معرفت‌شناسی نظریه‌ای درباره معرفت یا دانش است. نظریه‌ای که توضیح می‌دهد که چطور انسان درباره جهان اطراف خود معرفت کسب می‌کند. معرفت‌شناسی بنیانی فلسفی برای ایجاد انواع معرفت را که ممکن است بتوانیم کسب کنیم فراهم ساخته و معیاری است برای این‌که چطور معرفت به درستی و به صورت منطقی، می‌تواند ارزیابی شود(کروتی، ۱۹۹۸، ۸). در دوره قرون وسطی ایمان دینی و مکاشفه دو رهیافت عمده معرفت‌شناختی بودند اما در قرون شانزدهم و هفدهم میلادی دو گزینه‌ی خرد و تجربه به مثابه بدیل‌هایی برای ایمان دینی و مکاشفه پیشنهاد شدند(بنتون، ۱۹۹۷، ۲۰).

۴.۱. عقل و خرد

اندیشیدن در مورد جهان یکی از راه‌های کسب معرفت درباره آن است. خرد و عقل منبعی مهم در تولید دانش است که هم در اقتصاد اسلام و هم اقتصاد نهادگرا مورد توجه قرار گرفته است. انسان در هر امری درستی و نادرستی و منفعت و مضرت آن را با ترازوی عقل بررسی می‌کند و سپس آن

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

را انتخاب کرده یا رد می‌کند. نظریه انتخاب عقلانی در اقتصاد مفهوم اساسی است. اقتصاد نهادگرای جدید انقلابی در رفتار افراد ایجاد کرد این انقلاب از نظریه انتخاب عقلانی ناشی شد. اما عقل و خردی که مدنظر این دسته از اقتصاددانان است منبع کامل کسب معرفت و صدور حکم نیست. انسان مدنظر نهادگرایان انسان اقتصادی فرصت طلبی است که عقلانیت کراندار دارد.تئوری عقلانیت محدود برمفهوم عدم قطعیت مبتنی است(دکوئیچ، ۲۰۰۴، ۱۲۵) نهادگرایان معتقدند که زندگی اجتماعی و اقتصادی یک سیستم بازی است که مسیرش شناخته شده نیست و افراد نمی‌توانند از قبل آن را متعین کنند[۱]. لذا انسانی که با این سیستم اجتماعی و اقتصادی سر وکار دارد نمی‌تواند با اتکای به عقل و روش ریاضی، محاسبات دقیقی انجام دهد که یقین به افزایش مطلوبیتش بیانجامد. همچنین هزینه‌های معامله که مفهومی مهم در قاموس معرفتی نهادگرایی است از دو فرض رفتاری، عقلانیت محدود و فرصت طلبی ناشی می‌شود. افراد ظرفیت ذهنی محدود و لذا اطلاعات ناقص یا نامتقارن دارند و به همین دلیل در مورد حوادث پیش‌بینی نشده و نتایج آن‌ها با عدم اطمینان مواجه هستند و برای بدست آوردن اطلاعات متحمل هزینه‌های معامله می‌شوند. ویلیامسون درباره فرض عدم کامل بودن اطلاعات و قراردادها می گوید: اتفاق‌نظر نسبی روی ایده شایستگی ادراکی محدود در اقتصاد نهادگرایی جدید وجود دارد که اغلب از آن به عقلانیت محدود یاد می‌شود. ذهن یک منبع محدود است. تخصصی شدن ادراکی به اقتصادی کردن منجر می‌شود. همچنین با فرض محدودیت‌های ادراکی، قراردادهای پیچیده به طور اجتناب‌ناپذیری ناکامل‌اند.(ویلیامسون، ۱۳۸۱، ص۱۵). انسان اقتصادی از یک‌سو در پی حداکثر ساختن مطلوبیت خویش است از دیگر سوی هم جهان اجتماعی و اقتصادی پیچیده است و هم قابلیت‌های ذهنی انسان محدود است؛ بدین‌ترتیب او در عمل با عدم قطعیت رو به رو است و نمی‌تواند دقیقا همان راهی را برود که به افزایش مطلوبیتش بیانجامد. نهادها ابزاری هستند که در راستای کاهش عدم قطعیت به کار می‌روند بدین‌صورت که با عملکرد معرفتی اطلاعاتی خود به افراد کمک می‌کنند که رفتارهای احتمالی دیگران را حدس بزنند و با عملکرد معرفتی عمیق خود بردرک و تصور مردم از واقعیت یعنی برروش مردم در انتخاب، سازمان‌دهی و تفسیر اطلاعات تاثیر می‌گذارند (دکوئیچ، ۲۰۰۴، ۱۱۸). از منظر اسلام نیز، انسان موجودی همه‌چیزدان نیست بلکه جایزالخطا است لذا یک اقتصاددان مسلمان وقتی از عقل سخن می‌گوید به محدودیت عقلی افراد انسان توجه دارد و با توجه نمودن به محدودیت عقل بشر همواره به بحث تکامل ذهنی، آموزش، پژوهش و نوآوری فن‌آورانه در راستای تحقق مقاصد می‌پردازد. در اقتصاد اسلام (البته در اقتصاد نهادگرا) فردگرایی روش‌شناختی در توجه به عقلانیت اقتصادی، با تاکید بر محدودیت عقلانی بشر، تعدیل می‌یابد و

۱. ن ک: کاسپرز و استریت، (۱۹۹۸)، "اقتصاد نهادگرا".

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

همواره افراد ترغیب می‌شوند که به منظور جبران این نقیصه به تشکیل گروه بپردازند و با هم تبادل اطلاعات داشته باشند. این دیدگاه انسانی را تربیت می‌کند که نفع شخصی آن‌ها از نفع شخصی فردی به نوعی نفع شخصی اجتماعی تبدیل شود. سعی می‌شود که این انسان تا حدی متحول شود که قدری افزایش منافع اجتماعی را نیز در محدوده‌ی نفع شخصی خویش ببیند؛ به عبارت دیگر در تابع مطلوبیت وی علاوه بر نفع شخصی فردی عنصری از نفع اجتماعی نیز قرار بگیرد (دادگر، ۱۳۷۸، ۲۵۶). البته در پرداختن به عقل بین اقتصاد اسلام و نهادگرایی تفاوت‌هایی هم وجود دارد بدین‌صورت که: اصل پی‌جویی نفع شخصی و گاه نفع اجتماعی دنیوی در عقلانیت متداول جایگاه اساسی دارد. در این زمینه اقتصاد اسلامی گامی فراتر می‌نهد و دامنه منافع را از منفعت دنیوی به منفعت اخروی می‌گسترد. در اقتصاد اسلامی مطلوبیت اخروی نقش اساسی در هدایت انگیزه‌های اقتصادی افراد دارد. منافع تنها در این دنیا خلاصه نمی‌شود. منافع اخروی نیز قابل تصور است که باید آن‌ها را نیز مدنظر قرار داد. این ایراد براساس اعتقاد به آخرت و حیات پس از مرگ شکل می‌گیرد. انسانی که به جهان پس از مرگ اعتقاد دارد، باید منافع خود در آن جهان را نیز مدنظر قرار دهد(عزتی، ۱۳۸۷، ۴۳).

۴.۲. حس و تجربه

حس و تجربه در تولید و بازتولید معرفت نقش دارند. در خصوص توجه به نقش حس و تجربه در تشکیل معرفت، اقتصاد اسلام و اقتصاد نهادگرایی مستثنی نبوده و برتاثیر مشاهده جهان اطراف در حصول معرفت اقتصادی، توجه داشته‌اند. نهادگرایان با رد عقلانیت کامل، برنقش استقرا و تجربه تاکید دارند. اقتصاد نهادی جدید به بخش رو به رشدی از نظریه‌های اقتصادی و تحقیقات تجربی تبدیل شده است.(سورلند[1]، ۲۰۱۵، ۵۶۱) آزمایش تجربی برای بررسی تاثیر جهان واقعی بر نهادها لازم است. از آغاز نهادگرایی جدید کارهای تجربی زیادی صورت گرفته است. در نهادگرایی جدید در کنار تجزیه و تحلیل و مطالعات کیفی مانند مطالعات موردی تجزیه و تحلیل کمی هم صورت گرفته است مثل مقایسه بین کشورها (همان، ۵۷۰). در تعالیم اسلام نیز آسمان و زمین، دریا و خشکی، شب و روز، باد و باران وسیله‌ای برای تفکر و تدبر در امور جهان معرفی شده‌اند. استفاده از حس و تجربه در حصول معرفت از جهان پیرامون امری بدیهی است. اما نه اقتصاددانان نهادگرا و نه اقتصاددانان مسلمان هیچکدام تجربه‌گرای محض نیستند چرا که در نهادگرایی هم نهادها برحسب مدل‌های ذهنی مشترک بین افراد تعریف می‌شوند و هم افراد برحسب تعصبات، ارزش‌ها، تئوری‌ها و ایدئولوژی‌های خاص خود عمل می‌کنند که همگی این‌ها اموری غیرقابل مشاهده و غیرتجربی‌اند. مدل ذهنی یک نهاددرونی است که به افراد برای درک جهان کمک می‌کند و ساختاری را برای

1. Dirk Sauerland

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

تفسیر تعاملات اجتماعی و اقتصادی فراهم می‌آورد(سورلند، ۲۰۱۵، ۵۶۴). علاوه بر این اقتصاددانان نهادگرا با تقسیم نهادها به نهادهای رسمی و غیررسمی و توجه بر نهادهای غیررسمی مانند فرهنگ، هنر، ارزش‌ها و نظایر آن، نشان می‌دهند که تجربه‌گرای محض نیستند زیرا که تجربه‌گرایان محض معتقدند که همه آن‌چه که مدعی هستیم در مورد جهان می‌دانیم زمانی درست است که بتوان آن را با تجربه حسی محک زد. هر ایده علمی که نتوان با مشاهده آن را تایید کرد بی‌معنا بوده و هیچ نقشی در توسعه علم و معرفت ندارد. بنابراین عناصر زیادی از فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌های متافیزیکی باید از گزارش‌های علمی در مورد جهان کنار گذاشته شوند (محمدپور، ۱۳۸۹، ۴۷). نهادگرایان این بینش را که علم صرفا باید برمبنای تجربه و بدون پیش فرض‌های مستقل از مشاهده بنا شود را رد می‌کردند. تجربه به تنهایی نمی‌تواند زیر بنای دانش باشد. در واقع تمام دانش‌ها به پیش‌فرض‌ها اتکا دارند؛ پیش‌فرض‌هایی که به شکلی اجتناب‌ناپذیر برخی از آن‌ها متافیزیکی هستند. شواهد به شیوه‌های مختلف تفسیر می‌شوند و در خصوص هیچ موضوعی از دانش بین دو فردی که معرفت آن‌ها مبتنی بر پیش‌فرض‌های متفاوت است، هیچ توافق قابل توجهی رخ نخواهد داد(مشهدی احمد، ۱۳۹۳، ۱۰۸) در تعالیم اسلام نیز تجربه تنها راه و کامل‌ترین راه حصول معرفت نیست ادراکات حسی به دلیل محدودیت زمانی و مکانی و این‌که محدود به جهان مادی و موجودات مادی هستند جزئی و شخصی هستند نه‌کلی و عمومی و نمی‌توانند از حد و توان خویش پا فراتر بگذارند.(طباطبائی، ۱۳۸۵، ۱/ ۱۱۹).

تاریخ

تاریخ به مطالعه حوادث و وقایع انسان در گذشته و کسب معرفت از این راه اشاره دارد. معرفت تاریخی به معرفت بشری اطلاق می‌شود که در پی‌توصیف، تحلیل و تبیین حوادث گذشته زندگی و رفتار انسان و بازخوانی آن‌هاست. قرآن‌کریم با بیان تاریخ ملل و فلسفه تاریخ، چارچوب و منبع بودن تاریخ را پذیرفته است(طباطبائی، ۱۳۸۹،روابط اجتماعی در اسلام، ۶۰). قرآن با اشاره به داستان‌های مختلف قصد هدایت انسان به سمت و سوی سعادت و کمال را دارد. و با ذکر این سنت‌ها و تجارب، این امکان را برای انسان فراهم می‌آورد که در سایه شناخت آن تجارب و سنت‌ها، برای ایجاد جامعه مطلوب از آن‌ها استفاده کند. خود این امر از یک‌سو بیانگر شباهت نوعی حوادث و اتفاقات جوامع با یکدیگر می‌باشد و از سوی دیگر نشانگر ماهیت پویا و متحول جوامع بشری است. اقتصاد نهادگرایی نیز به مطالعه نهادها در گذر تاریخ می‌پردازد. از این‌رو یکی از ایرادهای اساسی که وبلن براقتصاد مرسوم وارد می‌سازد این است که کنش‌های اقتصادی را در انزوا به تصویر می‌کشد و تاثیر حوادث و نقش نهادهای اقتصادی را که در تعامل با عامل انسانی مهم‌ترین

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

عامل پویایی نظام‌های اقتصادی است، نادیده می‌گیرد. در این رویکرد سعی بر آن بود(و هست)که همه‌چیز در قالب مفهوم تعادل بیان شود. غافل از این‌که چنین عملی، بقول جیسون پاتس، مانند گرفتن عکس از باد است (مشهدی احمد، ۱۳۹۳، ۹۳) بر این اساس نهادگرایان به طبیعت تکاملی اموراجتماعی، سیاسی و اقتصادی عقیده دارند و معتقدند که تعمیم‌های اقتصادی باید به طور مشخص مربوط به زمان و مکان معینی باشد؛ زیرا همه آن‌ها درحال تکامل هستند و اموری تغییر ناپذیر محسوب نمی‌شوند (دادگر،۱۳۹۲، ۲۵۹). محوری‌ترین مساله اقتصاددانان نهادگرا مطالعه تغییرات نهادی است. نهادها در اصل نظام تفکر فراگیری هستند که با توجه به روابط ویژه و کارکردهای خاص افراد و اجتماع شکل می‌گیرند. تنها از طریق دگرگون شدن طرز تفکر طبقات مختلف جامعه است که ساختار اجتماعی دگرگون می‌شود، تحول و توسعه می‌یابد و خود را با وضعیت‌های متفاوت سازگار می‌کند (وبلن، ۱۳۸۳، ۲۱۲-۲۱۱). مکتب نهادگرایی بررسم و سنت (بعنوان عوامل تاریخی) تاکید داشته و از مطالعات موردی و استقرای تاریخی بهره می‌برد. در نهادگرایی استفاده از تاریخ و بررسی آمار گذشته‌ی پدیده‌های اقتصادی در فهم نهادها اهمیت بسزایی دارد چرا که پدیده‌های اقتصادی طی فرآیندی طولانی رشد یافته و متکامل شده‌اند. بنا به آموزه‌های آنان یک اقتصاددان همان‌قدر که نیازمند دانش اقتصادی است، نیازمند آگاهی از تاریخ، مردم‌شناسی، روانشناسی، فلسفه و جامعه‌شناسی نیز هست (کلارک؛ ۱۳۸۹؛ ص۱۲۵).

وحی

وحی در لغت معانی مختلفی دارد. راغب ریشه وحی را اشارات "تند و سریع" می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ۵۳۰). وحی در اصطلاح عبارتست از تفهیم ویژه یک سلسله از حقایق و معارف از جانب خداوند به پیامبر از راهی غیر از راه عادی معرفت(تجربه، عقل، شهود؛ برای ابلاغ به مردم و راهنمایی آنان)(کریمی، ۱۳۸۷، ۳۶). وحی منبع معرفتی دیگری است که اختصاص به اقتصاد اسلامی دارد. در واقع اقتصاد اسلامی به دلیل داشتن ماهیت دینی، در کنار عقل، تجربه و تاریخ از وحی نیز برای کسب معرفت بهره می‌برد. عقل به عنوان یک منبع معرفتی صرفا قادر به درک کلیات است و تجربه نیز با جزئیات سر وکار دارد اما وحی هم جزئیات و هم کلیات را با هم درک می‌کند(جوادی‌آملی، ۱۳۷۹، ۲۲۵). علاوه بر این در مقایسه با سایر منابع معرفتی، وحی منبعی خطاناپذیر است، و سخنی است که به خداوند انتساب داده می‌شود (طباطبائی، ۱۳۸۳، ۴۳/۱۹). البته در خصوص بحث خطاناپذیر بودن وحی نباید بین مفهوم "اسلامی" و " چارچوب اسلامی" خلط کرد. توضیح این‌که "قرآن و کتب احادیث در یک زمینه علمی یا در رشته اقتصاد تالیف نشده‌اند و شامل اصول کلی و گسترده‌ای هستند و یک چارچوب

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

مبنایی را فراهم می‌آورند. جزئیات بایستی در هر دوره‌ای توسط خود انسان‌ها تفصیل داده شود. تمام آن‌چه چارچوب اسلامی نامیده می‌شود اندیشه‌های بشری هستند که در معرض نقد قرار دارند و احتمال خطا بودن آن‌ها می‌رود. اما مفهوم اسلامی مقدسات وحیانی یا دستورات پیامبر اکرم است که انکارناپذیر و نقدناپذیر است (عقیلی و حسینی، ۱۳۹۰، ۴۱۷). در خصوص فلسفه وحی باید گفت که در باور دینی زندگی اخروی و سعادت انسان در آخرت برزندگی دنیوی و رفاه مادی او در این دنیا اولویت دارد لذا، اگر فردی تمام زمینه‌های آسایش زندگی هفتاد ساله‌اش فراهم باشد اما سرمایه معنوی کارآمدی برای زندگی پایان‌ناپذیر و جبران ناشدنی آخرت تدارک ندیده باشد گرفتار بزرگترین خسران شده است به عکس اگر کسی در عمر این دنیا در کسب رضای خداوند بکوشد و حیات جاودانه نیکو را در پیش‌رو داشته باشد سعادتمند حقیقی است(سعیدی روشن، ۱۳۸۰، ۶۳) فلسفه بعثت و ظهور وحی بر پیامبر ارائه طرح و نقشه کلی برای رسیدن به این هدف از مسیر معرفت و عبادت خداوند است. لذا پذیرش وحی بعنوان منبع معرفتی در اقتصاد اسلامی عناصری مثل خدامالکی، رضای الهی، مطلوبیت اخروی را مطرح می‌کند و موجب ایجاد تفاوت‌های قابل توجه بین محتوای اقتصاد اسلام و سایر مکاتب اقتصادی می‌شود. بعنوان مثال"عدالت، آزادی، اعتدال، شفقت و برادری از جمله ارزش‌هایی هستند که کمک می‌کند تا اسلام خود را در زندگی روزمره جامعه مسلمانان و همچنین نوع انسان به عنوان یک کل؛ مطرح کند. در این راستا، اقتصاد اسلامی زکات، صدقه، تحریم ربا، منع اسراف و احتکار را بعنوان ابزارهایی که می‌تواند در نیل به این ارزش‌ها کمک‌رسان باشد؛ ارائه می‌دهد(بوتیبا[1] و همکاران، ۲۰۱۴، ۱۱۲). همه این ابزارها برگرفته از وحی هستند. اقتصاد نهادگرایی هرچند برخلاف اقتصاد نئوکلاسیک به ارزش‌ها و هنجارها توجه دارد اما به دلیل این‌که با امور مادی سر و کار دارد، ارزش‌ها و هنجارهای مدنظر آن ارزش‌ها و هنجارهای دنیوی هستند. بطور کلی امت اسلامی برخلاف جامعه مادی‌گرای غرب رو به سوی جامعه‌ای دارد که هم به نیازهای مادی(از جمله رفع فقر) و هم نیازهای معنوی توجه دارد و سعی می‌کند که هر دو نیاز را برآورده سازد چنین‌کاری صرفا برمبنای یک جهان‌بینی توحیدی و معرفت شناسی وحیانی امکانپذیر است(عیوضلو و حسینی، ۱۳۹۰، ۵۴).

نتیجه‌گیری

بررسی عناصر و ابزارهای معرفت شناختی اقتصاد نهادگرایی جدید و اقتصاد اسلامی حاکی از وجود برخی عناصر مشترک بین این دو حوزه اقتصادی است. پس از تبیین مفاهیم اساسی پژوهش و

1. Boutayeba

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

معرفی اجمالی این دو مکتب اقتصادی و بعد از بررسی تطبیقی مهم‌ترین مولفه‌های معرفت‌شناسی دو مکتب اقتصاد اسلامی و نهادگرایی، نتایج زیر به دست آمد:

۱. هم مکتب نهادگرایی و هم مکتب اقتصاد اسلام ضمن بهره‌مندی از عقل بعنوان یک منبع معرفتی، قائل به عقلانیت محدود هستند و معتقدند که مرتفع ساختن محدودیت‌های عقل منجر به رفتار اقتصادی درست می‌گردد. اقتصاد اسلام دایره عقلانیت را از پی‌جویی نفع دنیوی به پی‌جویی نفع اخروی و رضایت الهی گسترده است.

۲. هم اقتصاد نهادگرا و هم اقتصاددانان مسلمان در راستای کسب معرفت اقتصادی به تجربه و حس نیز رجوع می‌کنند.

۳. با توجه به اهمیت مطالعات تاریخی در مکاتب اقتصادی نهادگرایی و اسلام، می‌توان تاریخ را نیز بعنوان یک منبع معرفتی مشترک بین آن‌ها معرفی نمود. پس فرضیه اول تحقیق مبنی بر این‌که "عقلانیت محدود، حس و تجربه و تاریخ مهم‌ترین مولفه‌های معرفت‌شناسی مکتب نهادگرایی جدید می‌باشند" اثبات شد.

۴. علاوه برحس و تجربه، عقلانیت محدود و تاریخ؛ اقتصاد اسلامی به دلیل داشتن ماهیت دینی و الهی از منبع معرفتی خطاناپذیری بنام وحی نیز بهره‌مند است.

بنابراین فرضیه دوم پژوهش مبنی بر این‌که"حس و تجربه، عقلانیت محدود، تاریخ و وحی مهم‌ترین مولفه‌های معرفت‌شناسی اقتصاد اسلامی به شمار می‌روند" اثبات شد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

منابع

الف: فارسی

۱. ابوجعفری، بهار۱۳۸۵، برداشت اقتصاد نهادگرا و مطالعه اقتصاد اسلامی، فصلنامه اندیشه صادق، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق، شماره۲۲، صص۱۴۴-۱۲۱.
۲. بیدالله خانی، پاییز۱۳۹۱، اقتصاد نهادگرایی جدید(NIE) پایه‌ای برای توسعه آسیای شرقی، راهبرد یاس، ش۳۱، صص ۱۳۶- ۱۰۸.
۳. توکلی، محمدجواد، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، درآمدی بر چیستی، قلمرو و چشم اندازهای فلسفه اقتصاد اسلامی، معرفت اقتصادی، سال دوم، شماره۱، پیاپی سوم، صص ۹۲- ۶۵.
۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹، معرفت‌شناسی در قرآن، قم، اسراء.
۵. حقیقت، سید صادق، تابستان۱۳۸۷، تقابل رفتارگرایی و نهادگرایی در علوم‌سیاسی، فصلنامه حوزه و دانشگاه، روش شناسی علوم انسانی، سال چهاردهم، شماره ۵۵، صص ۱۵۴- ۱۳۹.
۶. دادگر کرماجانی، یدالله،۱۳۹۲، تاریخ عقاید اقتصادی، تهران، سمت، مرکز تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۷. ۱۳۷۹، روش‌شناسی و معرفت‌شناسی اقتصاد اسلامی، تهران، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، ش ۱۱و ۱۲، صص۶۲- ۳۵.
۸. ۱۳۷۸، نگرشی براقتصاد اسلامی، معرفت‌ها، ارزش‌ها و روش‌ها، تهران، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۸۷، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق محمد خلیل عیتانی، تهران، موسسه فرنگی آرایه.
۱۰. سعیدی روشن، محمدباقر، بهار۱۳۸۰، معرفت وحیانی، قبسات، شماره ۱۹، صص ۶۷-۵۸.
۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۸۵، تحلیلی بر اصول فلسفه و روش رئالیسم، شرح محمد باقر شریعتی سبزواری، چاپ اول، قم، موسسه بوستان کتاب.
۱۲. ۱۳۸۳، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ شانزدهم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۳. ۱۳۸۹، انسان از آغاز تا انجام، به کوشش سید هادی خسروشاهی، چاپ اول، قم، موسسه بوستان کتاب.
۱۴. عزتی، مرتضی، ۱۳۸۷، ایمان، عقلانیت و رضایت خاطر، تهران، مرکز پژوهش‌های اقتصاد.
۱۵. عزتی، مرتضی، دادگر، یدالله، عقلانیت در اسلام، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار، شماره ۹ و ۱۰، صص ۲۴-۱.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۱۶. عیوضلو، حسین، ۱۳۷۹، مبانی روش‌شناسی و ساختار نظریه‌های علمی اقتصاد اسلامی، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، ۱۱و ۱۲، ۱۴۳-۱۶۲.
۱۷. عقیلی، سیدحسین، ۱۳۹۰، فلسفه اقتصاد اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق.
۱۸. کریمی، مصطفی، ۱۳۸۷، وحی شناسی، چاپ اول، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۹. کلارک، باری، ۱۳۸۹، اقتصاد سیاسی تطبیقی، عباس حاتمی، انتشارات کویر، تهران.
۲۰. کهف، منذر، پاییز ۱۳۸۵، علم اقتصاد اسلامی، تعریف و روش، مترجم سید حسین میرمعزی، اقتصاد اسلامی، سال ششم، صص ۱۸۷-۱۵۷.
۲۱. مشهدی احمد، محمود، بهار ۱۳۹۳، نهادگرایی وبلن چالشی در برابر بنیان‌های روش‌شناختی و نظری علم اقتصاد، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۵۲، صص۱۲۲-۸۷.
۲۲. م. صادق، ابوالحسن و عیدیت غزالی، ۱۳۸۵، عقاید اقتصادی اندیشمندان مسلمان، مترجم احمد شعبانی، انتشارات دانشگاه امام صادق.
۲۳. مصباحی، غلامرضا و دیگران، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، اقتصاد اسلامی، پیشینه تاریخی و چشم انداز آینده(میزگرد)، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، شماره ۱۱و ۱۲، صص ۲۳۰-۲۰۵.
۲۴. محمدپور، احمد، ۱۳۸۹، روش در روش درباره ساخت معرفت در علوم انسانی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
۲۵. معینی، محمدرضا، آذر ۱۳۷۷، اقتصاد نهادگرا، تازه های اقتصاد، شماره ۷۳، صص ۱۲۱-۱۲۰.
۲۶. نایب، سعید، پاییز و تابستان۱۳۹۰، ویژگی‌های تبیین در دستگاه نظری نهادگرایی جدید، اقتصاد تطبیقی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره ۲، صص۱۵۷-۱۳۵.
۲۷. نورث، داگلاس سی، ۱۳۸۵، نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصاد، مترجم محمدرضا معینی، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور اداری، مالی و منابع انسانی، مراکز مدارک علمی، موزه و انتشارات.
۲۸. وبلن، تورستین، ۱۳۸۳، نظریه طبقات مرفه، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
۲۹. ویلیامسون، الیوردی، ۱۳۸۱، اقتصاد نهادگرایی جدید: دستاوردهای گذشته و نگاهی به فرا رو، مترجم محمود متوسلی، مجله برنامه و بودجه، شماره ۷۳، صص ۴۳-۳ .

ب: انگلیسی

1. Benton, Ted, 1997, Philosophical Foundation of the Three Soci0logies, London: Routledge and Kegan Paul.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

2. Boutayeba, Faiçal, Benhamida, Mohammed, Guesmi, Souad, 2014, Ethics in Islamic Economics, 'Annales. Ethics in Economic Life, vol. 17, no. 4, pp. 111-121.
3. Crotty, Michael, 1998, The Foundation of Socisl Research: Meaning and Perspective in the Research Process, London: Sage Publication Ltd.
4. Dequech, David, 2015, Old and New Institutionalism in Economics, International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences, 2nd edition, Volume 17.
5. Ensminger, Jaen, 1998, Anthropologyan d theN ew Institutionalism, Journal of Institutional and Theoretical Economics (JITE) / Zeitschrift für die gesamte Staatswissenschaft, Vol. 154, No. 4 (Dec. 1998), pp. 774-789.
6. Fiorina, Morris, 1995, Rational Choice and the New(?) Institutionalism, Palgrave Macmillan Journals, Vol. 28, No. 1, pp. 107-115
7. Furqani, Hafas, Mohamed Aslam Haneef, Methodology of Islamic Economics: Typology of Current Practices, Evaluation and Way Forward, 8th International Conference on Islamic Economics and Finance, Center for Islamic Economics and Finance, Qatar Faculty of Islamic Studies, Qatar Foundation.
8. H. Röbken, Inside the "Knowledge Factory", 2004, Researching Organizational Change in Business Schools, Deutscher Universitäts-Verlag/GWV Fachverlage GmbH, Wiesbaden, PP 1-18.
9. J. Vijge, Marjanneke, 2013, The promise of new institutionalism: explaining the absence of a World or United Nations Environment Organisation , Int Environ Agreements, 13:153–176.
10. Kallinikos, Jannis, 1994, Cognitive foundations of economic institutions: markets, organizations and networks revisited, Scand.J.Mgmi, Vol. 11, No 2, PP 119_137.
11. Kasper, W., Streit, M., 1998. Institutional Economics. Edward Elgar, Cheltenham.
12. Petrovic, Dragan, Zoran Stefanivic, 2009, Methodological position(s) of institutional economics, Facta universitatis, Economics and Organization, Vol. 6, No 2, PP. 105_114.
13. Rossiaud, Sylvain, Catherine Locatelli, 2010, Institutional Economics, Polinares Consortium, No 12, PP 1_25.
14. Sauerland, Dirk, 2015, Ideologies, Institutions, and the New Institutionalism, Witten/Herdecke University, Witten, Germany.
15. Zaman S.M.H., Definition of Islamic Economics, "Journal of Research in Islamic Econom ics" 1984, vol. 1, No. 2.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]